



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## نقش روانشناسی در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی

مرضیه بابا خان زاده<sup>۱</sup>، الهام ظفری فر<sup>۲</sup>، فاطمه ظفری فر<sup>۳</sup>

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

۲- کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی

۳- کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

*e.zafarifar@gmail.com*

### چکیده

مسئله مربوط به آسیبهای اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندیها، محرومیتهای ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواستها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیبها شده است. هر چند اکثر مشکلات اجتماعی انواعی تکراری در طول نسلهای مختلف هستند، اما چنانکه مشاهده می شود برخی از این انواع در برخی نسلها اهمیت بیشتری پیدا کرده است و حتی برخی انواع این آسیبها در نسلهای بعدی زاده شده اند. خدمات روانشناسان به عنوان قشر متخصص می تواند از آسیبهای اجتماعی پیشگیری کند و برای سلامت روان جامعه ایرانی باید به این قشر توجه جدی کنیم. روش تحقیق حاضر کیفی و از نوع کتابخانه ای (مروری) است و می خواهد مشخص کند که روانشناسان چه نقشی را در کاهش و پیشگیری از آسیبهای اجتماعی داشته اند؟ نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که آسیبهای اجتماعی آگه به موقع شناسایی و آسیب شناسی شوند قابل کنترل و پیشگیری هستند.

**کلمات کلیدی:** آسیبهای اجتماعی، روانشناسان، پیشگیری

### ۱- مقدمه

آسیبهای اجتماعی به دسته ای از نابسامانیها و ناهنجاریهای رفتاری افراد یک جامعه چه بصورت فردی و یا جمعی اطلاق می - شوند که ریشه در بی نظمیها، کژکارکردیهای پدیده های اجتماعی و پیامدهای نامطلوب آنها دارد. این آسیبها غالباً باعث رنجش روانی، جسمی و مادی اقشار خاص و آسیب پذیر جامعه می شوند و همچنین می توان گفت که به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می شود که در راستای اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی یا غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو به رو می گردد (ابهری، ۱۳۹۰: ۳۷).

مسائل و آسیبهای اجتماعی ناشی از تحولات سریع جوامع انسانی از موضوعات مهمی است که همواره ذهن روانشناسان، جامعه شناسان و اندیشمندان اجتماعی را به خود مشغول ساخته است. بر این اساس، روند تحولات اجتماعی، قدرت سازگاری و



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انطباق افراد و گروه‌های اجتماعی را کاهش داده است و در این میان برخی اقشار و گروه‌های اجتماعی در معرض آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایرین قرار دارند (ثناگومحرر و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۸).  
آسیب‌های اجتماعی از چند جنبه قابل بررسی هستند:

۱- از زوایه انسان که هر انسان با هر دین و آئین و اعتقاد و فکر و مذهب و گرایش و مسلک و ارتباط با جناح یا حزب خاصی یا با ترحم یا با هدایت و یا با همراهی اعتقاد دارند که به گروه‌های آسیب‌پذیر یاری نمایند مثلاً هر انسانی دوست دارد به پیرمرد یا پیرزنی کمک کند و هر انسانی دوست دارد به نابینایی کمک کند و...

۲- از زاویه اجتماعی اگر به این آسیب‌های اجتماعی بموقع رسیدگی نشود افزایش جرم و جنایت را در پی دارد که مخرب انضباط اجتماعی است.

۳- از جنبه سیاسی که اگر توجه نشود کشور را به دامن بیگانگان سوق می‌دهد و بجای فرهنگ خودی فرهنگ بیگانه در کشور پیاده می‌شود و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه لطمه وارد می‌نماید، وجود آسیب‌های اجتماعی، بزرگنمایی و تبلیغات دشمنان کشور را در پی دارد ضمن آنکه وجود آسیب‌های اجتماعی در کشور اسلامی عامل تبلیغ منفی بر ضد اسلام است لذا لازم است که آسیب‌های اجتماعی ریشه‌یابی شود و از کلی‌گویی در جامعه پرهیز گردد و با ارائه راهکارهای مدرن به جزئیات آسیب‌های اجتماعی توجه شود (ثناگومحرر و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴).

در برخورد با آسیب‌های اجتماعی تقلید کورکورانه از بیگانگان جایز نیست به دلیل اینکه آسیب‌های اجتماعی ارتباط کاملی با سنت‌های هر جامعه دارد و الگو برداری از جوامع دیگر صلاح نیست. سیاست‌های اجتماعی هر جامعه‌ای روش‌های مختلفی را در برخورد با آسیب‌های اجتماعی پیشنهاد می‌کند. شیوه برخورد با این مسائل همچنان که پیشتر گفته شد، ارتباط مستقیمی با این سیاست‌ها دارد. این سیاست‌ها را هم نهادهایی که در تمامی جوامع وجود دارد، تعیین می‌کند. در مورد راهکارهای اصلاح و بهبود آسیب‌های اجتماعی هم نظرها‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای روش انکار و پرده‌پوشی را تجویز می‌کنند و عده‌ای دیگر به روش‌های پلیسی و سرکوب اعتقاد دارند. جوامعی هم وجود دارند که به این مسائل نگرشی علمی و منطقی دارند و سعی می‌کنند با قبول وجود این آسیب‌ها، علت آنها را با استفاده از روش‌های علمی بشناسند و برای حذف یا به حداقل رساندن آنها از روش‌های منطقی سود ببرند. این جوامع، آنهایی هستند که در آنها انباشت علمی صورت گرفته و در اثر ارتباط با فرهنگ‌های مختلف به سطحی از آگاهی رسیده‌اند که به حق آزادی و برابری انسانها و حق برخورداری تمامی انسانها از حقوق مادی و معنوی اعتقاد داشته باشند (ابهری، ۱۳۹۰: ۳۷).

آنچه در مورد آسیب‌های اجتماعی در ایران می‌توان گفت این است که به وضعیت خاص سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، آسیب‌های اجتماعی علاوه بر این که مسئله‌ای اجتماعی شمرده می‌شوند، بار ارزشی نیز دارند. یعنی یک آسیب که در یک جامعه با سیاست لیبرال، فقط یک جرم محسوب می‌شود، در ایران علاوه بر جرم بودن، گناه به شمار می‌رود. این نگرش خاص به مسئله اجتماعی باعث می‌شود که مجرم یا منحرف بیشتر از آن که جامعه و روابط حاکم بر آن را عامل انحراف خود بداند، خودش را گناه کار می‌بیند و این می‌تواند یکی دیگر از آسیب‌های فردی و اجتماعی باشد (همان).

اگر مشکلات اجتماعی که در بیشتر کشورها مخصوصاً کشور ایران وجود دارد حل نشود، نسل‌های آینده کشور به سمتی خواهد رفت که با فرهنگ و تمدن‌های اسلامی بیگانه خواهد بود. محققان بیان می‌کنند که بروز آسیب‌های نو پدید مانند فضای مجازی می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی باشد. میزان شیوع به آسیب‌های اجتماعی در کسانی که ارتباط مؤثر و مکرری با مشاور ندارند بیشتر است. مشاوران و روانشناسان به دلیل آگاهی و آسیب‌شناسی جنبه‌های مختلف آسیب‌های اجتماعی کمک شایانی را به اقشار مختلف جامعه از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه می‌کنند (معمارزاده زنجانی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۱-۲- اهمیت آسیب‌شناسی اجتماعی

هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تأثیرات مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. شناخت چنین عواملی می‌تواند مسیر حرکت جامعه را بسوی ترقی و تعامل هموار سازد، بطوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداوم آن عمل با ارائه راه‌حلهایی به سلامت جامعه کمک نماید. به عنوان مثال مسأله اعتیاد را در نظر بگیریم. این مسأله هم به عنوان یک مشکل فردی و هم یک معضل اجتماعی مطرح است. روشن است در سطح اجتماعی منجر به از بین رفتن نیروها و انرژی بارآور جامعه می‌شود. شناسایی علل اساسی و کنترل آنها می‌تواند بسیاری از نیروهای از دست رفته جامعه را تجدید نموده، در مسیر کار سالم جامعه هدایت کند (ابهری، ۱۳۹۰: ۳۸).

## ۱-۳- عوامل مؤثر در ایجاد آسیب‌های اجتماعی

مطالعات انجام شده در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی، عوامل زیر را منشاء بسیاری از انحرافات اجتماعی قلمداد نموده‌اند. در این بخش هر یک از عوامل به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد (ابهری، ۱۳۹۰: ۹۴-۹۷):

۱) نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی: اختلافات طبقاتی هر جامعه، افراد را در موقعیتهایی قرار می‌دهند که نمی‌توانند نقش‌های اجتماعی مناسب خود را بیابند و موجب اختلاف در هنجارهای اجتماعی می‌شود. در نتیجه، ستیزه هنجارهای اجتماعی، تفاوت معیارها را به وجود می‌آورد و عدم تعهد به معیارها و تردید در اصالت آنها، عدم پایبندی به قوانین را ایجاد می‌کند که این به نوبه خود تضادهای اجتماعی را افزایش می‌دهد. درون این تضاد، کشش به سمت انحرافات اجتماعی وجود دارد.

۲) رفاه اقتصادی خانواده: در خانواده‌هایی که رفاه و درآمد اقتصادی زیاد است، روابط انسانی بر اثر کثرت کار و یا سرگرمی ضعیف‌تر می‌گردد. ضعف روابط انسانی به نوبه خود عامل مساعدی برای کشش به سوی انحرافات اجتماعی است. امروزه والدین و فرزندان نسبت به هم احساس و عاطفه گذشته را ندارند، چون با یکدیگر تماس و ارتباط کمتری دارند و از طرف دیگر افرادی که درآمد بیشتر از حد دارند، موقعیت و زمینه مساعدتری برای تفریحات متنوع در داخل و یا خارج از کشور را دارند و بدیهی است که این قبیل امکانات برای مصرف و فروش مواد مخدر زمینه بسیار مساعدی است.

۳) فقر مادی خانواده: در مطالعات علمی نشان داده شده است که فقر اساس انحرافات اجتماعی است. از آن جایی که بیشتر مجرمین، معتادین به مواد مخدر و الکل، مبتلایان به امراض روانی و اشخاصی که اقدام به خودکشی می‌نمایند، از طبقات پایین اجتماعی بوده‌اند در عصر حاضر از فقر به عنوان عامل عمده انحرافات اخلاقی یاد شده است. ارتکاب جرائم طبقات فقیر از شکافی که بین خواسته‌های جوانان آن طبقه با آن چه که در دسترس آنهاست، سرچشمه می‌گیرد. عمده‌ترین علت انحرافات اخلاقی طبقه فقیر نتیجه فشارهای حاصله از شکست در رسیدن به هدفهای معین است.

۴) بیکاری: بیکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی زمینه مساعدی برای انحرافات اجتماعی است. افراد بیکار بیشترین اوقات خود را در اماکن عمومی از جمله پارک‌ها می‌گذرانند و این گونه اماکن، بهترین و مناسب‌ترین مکان برای کشش به سمت انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد است.

۵) رشد صنعت و پیشرفت تکنولوژی: اگر در جامعه‌ای رشد صنعت به سرعت افزایش یابد و درآمد ناشی از آن صنعت به طور عادلانه توزیع نگردد، امکان وقوع سه اتفاق وجود دارد:

اولاً کارکنان برای اداره زندگی خود مجبور می‌شوند ساعات بیشتری را به کار مشغول شوند و این به نوبه خود موجب خستگی جسمی و روحی در افراد می‌شود.

ثانیاً مشکل ترافیک در شهرهای بزرگ منجر به خستگی ناشی از کار در افراد شده در نتیجه والدین قدرت تربیت و سرپرستی فرزندان را نخواهند داشت و بی‌توجهی نسبت به پرورش کودکان و نوجوانان به گرایش آنان به سمت انحرافات اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت و... کمک خواهد کرد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ثالثاً رشد شهرها باعث افزایش فاصله و شکاف طبقاتی شده و این خود به خود باعث می‌شود برقراری ارتباط با دوستان و خویشاوندان کمتر شده و زمینه برای ایجاد انحرافات اجتماعی فراهم شود.

۶) ستیزه والدین: اختلافات زناشویی و نزاع بین پدر و مادر باعث می‌شود محیط خانواده برای تربیت فرزندان، ناامن و نامناسب شود. وقتی خانواده، کانون و محیط مناسبی برای زندگی نباشد، انسان سعی می‌کند بیشترین اوقات خود را در خارج از خانواده بگذراند و این کار ارتباط او را با دیگرانی که چون شکارچیان ماهری به دنبال شکار می‌گردند، زیاد می‌کند و آنها پس از شناخت مشکل شخص در نقش انسانی دلسوز ظاهر شده و برای فرار از این واقعیت تلخ، فرد را به سوی اعتیاد و دیگر انحرافات اجتماعی فرا می‌خواند. هر چقدر ستیزه‌های خانوادگی بیشتر باشد، احتمال کشش به طرف انحرافات اجتماعی بیشتر است.

۷) شیوه‌های تربیتی والدین: مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که رفتارهای کودکان و نوجوانان با شیوه‌های تربیتی والدین رابطه مستقیم و تنگاتنگ دارد. شیوه‌های تربیتی والدین می‌بایست با سطح نیازها و خواسته‌های مختلف فرزندان و همچنین با متدهای تربیتی صحیح اسلامی هماهنگ باشد. چنانچه والدین از شیوه‌های تربیتی مبتنی بر اصول اعتقادی و مذهبی استفاده نمایند، نتیجه مطلوب در رفتار فرزندان منعکس خواهد شد.

۸) عدم آگاهی و بینش صحیح والدین: مطالعات نشان می‌دهد کسانی که محروم از تحصیلات بوده و بینش صحیح نسبت به جامعه، تربیت و... نداشته باشند، امکان فریب خوردن و انعطاف‌پذیری آنها برای ارتکاب به کارهای انحرافی و برخلاف قانون بیشتر است. چون تخصص و آگاهی ندارند، نمی‌توانند از طریق عادی، زندگی خود را تأمین کنند و به همین دلیل است که جامعه‌شناسی یکی از راه‌های پیشگیری از جرائم را عدالت آموزشی می‌داند.

## ۴-۱- آسیب‌های اجتماعی و دیدگاه‌های روانشناسی

رفتار انسان در این دیدگاه‌ها، بر اساس ساختمان روانی افراد تحلیل می‌کنند. بسیاری از روانشناسان و روان‌کاوان علل رفتارهای انحرافی را بر اساس نقص شخصیت فرد کج‌رو بیان می‌کنند. آنها بر این باورند که برخی گونه‌های شخصیت، بیش از گونه‌های دیگر، به تبهکاری و ارتکاب جرم‌گرایش دارند. در واقع، آنان کژرفتارهای را پیش از آنکه به ژن‌های غیر عادی یا کرموزم‌های اضافی نسبت دهند، تجربه‌های تلخ دوران کودکی می‌دانند که معلول روابط ناسالم میان فرد و محیط اجتماعی او است. به عبارتی دیگر، آنها شخصیت را عامل کج‌روی می‌دانند. برخی از روان‌کاوان به پیروی از فروید، کج‌روی را ناشی از اختلالات روانی می‌دانند که در آن «خود» و «فراخود» قادر نیست غرایز ضد اجتماعی «نهاد انسان» را مهار کند. به اعتقاد فروید شخصیت افراد از سه بعد تشکیل شده است که «نهاد» زیربنای شخصیت انسان است. «فراخود» یا سطح اعلاى شخصیت که قسمت قضایی، اخلاقی و مهارکننده شخصیت است و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی را که در فرد درونی شده، نگهداری می‌کند و سرانجام «خود» که جنبه تحول و تربیت‌پذیری شخصیت است و برقراری رابطه با دنیای واقعی را بر عهده دارد (ابهری، ۱۳۹۰: ۴۴).

واژه «شخصیت» در زبان روزمره معنای گوناگونی دارد. بیشتر اوقات، درجه کارایی و جاذبه اجتماعی انسان در جامعه، شخصیت نامیده می‌شود. گاه کلمه شخصیت به منظور توصیف بارزترین ویژگی شخص به کار می‌رود. برای نمونه گفته می‌شود این فرد شخصیتی پرخاشگر دارد. در کل شخصیت، الگوی‌های رفتاری و شیوه‌های تفکر است که شیوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کند. از منظر روانشناسی، مهمترین اختلال‌های شخصیتی که منجر به کج‌روی می‌شود عبارتند از:

۱. بی‌قراری: نبود قدرت تشخیص خیر از شر است.
۲. کژخویی: نوعی تمایل غریزی به بدی، شرارت، حسد، کینه و اعمال ضد اجتماعی است.
۳. پارانویا: نوعی بدبینی، خودپرستی، خودخواهی و حالت تنفر از اجتماع است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۴. صرع: نوعی اختلال روانی است که به حملات عصبی با ویژگی‌هایی مانند دروغ‌پردازی، روحیه تظاهر و گيجی منجر می‌شود و احتمال بروز رفتارهای نابهنجاری چون ضرب، جرح و قتل هنگام حملات عصبی داده می‌شود.

۵. اختلالات روانی برخوردار از علائمی مانند وسواس، انزواطلبی، رفتارهای کودکانه و توهم قرار داشتن در معرض حمله و آسیب دیگران، فرد را آماده بروز رفتارهای پرخاشگرانه و حتی ارتکاب جنایت می‌سازد.

۶. روان‌پریشی: نوعی حالت فرو رفتن در رؤیایها و تصورات که فرد را در حالت دوری جدی از درک حقایق زندگی قرار می‌دهد.

۷. هیستری: مهم‌ترین علامت آن بی‌حسی، از کار افتادن کوتاه یا درازمدت یک یا چند عضو از اعضای بدن، گرفتگی صدا، تهوع، تنگی نفس و بالاخره بی‌خبری و تعدد شخصیت است.

اختلالات روانی یکی از عوامل انحراف‌های فردی و اجتماعی است؛ یعنی ناتوانی روان‌شناختی برای رویارویی واقع‌بینانه و مؤثر با سختی‌های معمولی زندگی است. کسانی که اختلال روانی دارند، هنجارهای اجتماعی مربوط به واقعیت را نقض می‌کنند (فرجاد، ۱۳۶۹: ۳۶-۳۷).

## ۱-۵- آسیب‌های اجتماعی و دیدگاه‌های روانشناسی اجتماعی

دیدگاه‌های روان‌شناختی اجتماعی درباره آسیب‌های اجتماعی درصدد ارائه تبیینی هستند که بتواند پلی میان محیط‌گرایی گسترده در تبیین‌های جامعه‌شناختی و فردگرایی محدود در تبیین‌های روان‌شناختی و زیستی آسیب‌های اجتماعی یا کج‌روی بیابد. ویژگی قابل توجه این دیدگاه آن است که زمینه‌های زیستی، اجتماعی و روانی، در همه افراد جامعه مورد مطالعه صرف‌نظر از نژاد، جنس یا طبقه اجتماعی که دارند، علت‌هایی ایجاد می‌کنند که فرد متأثر از این علل به انحراف یا کج‌روی روی می‌آورد. ۲. به تعبیر برخی محققان، آنچه در تبیین روان‌شناختی اجتماعی علل پیدایش کج‌روی معرفی می‌شود، عبارتند از:

۱. نقصان و ناکارآمدی جریان جامعه‌پذیری؛ ۲. نقصان و ناکارآمدی جریان کنترل اجتماعی؛ ۳. تعدد نامتناسب جریان‌های اجتماعی‌کننده و کنترل‌کننده (فرجاد، ۱۳۶۹: ۷۴).

## ۲- بیان مسأله

امروزه آسیب‌های اجتماعی چنان بنیادهای جامعه را تحت تأثیر قرار داده است که تلاش و همت همه اقشار جامعه را می‌طلبد. تمامی نهادها و سازمان‌های رسمی و غیر رسمی باید در مقابل اثرات و نتایج آسیب‌های اجتماعی مقابله کنند و از پیشرفت آن جلوگیری به عمل آورند. روانشناسان در این میان نقش کلیدی و محوری را ایفا می‌کنند. تأثیر آموزش، مهارتها و مسئله آسیب‌های روانی و اجتماعی از مهمترین معضلات تهدیدکننده زندگی اجتماعی است که با از میان بردن نیروها و توانمندیهای جامعه، نقش مخربی در سلامت و فرایند توسعه و پیشرفت جامعه دارد. آسیب‌های اجتماعی مانند خودکشی، طلاق، بیکاری، ارتباط‌های نامشروع و ... باعث کند شدن پیشرفت‌های جامعه می‌شود. شبکه‌های اجتماعی از جمله مواردی هستند که در تشدید آسیب‌های اجتماعی دخیل هستند. فضای مجازی بر مسایل تربیتی خانواده تأثیرات جبران‌ناپذیری می‌گذارد، گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و والدین نیز تغییراتی را به وجود آورده است که از جمله آن کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی به دلیل رشد فناوری، از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین و ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو را نام برد (گودرزی و گودرزی، ۱۴۰۱، ۳۸).

مشاوران و روانشناسان با توجه به نقش کلیدی که در جامعه دارند می‌توانند مشکلات موجود را حل و فصل کنند. روانشناسان و مشاوران از طریق کارگاه‌هایی که برگزار می‌کنند می‌توانند از چيستی و چگونگی آسیب‌های اجتماعی مخصوصاً آسیب‌های نوپدید آگاه سازند. اگر امروزه در جهت پیشگیری، کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی کارهای لازم از طرف نظام روانشناسی کشور،



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سازمان آموزش و پرورش و سایر نهادهای مربوط انجام نگیرد بی‌شک سرمایه‌های مادی، معنوی، انسانی و اجتماعی ارزشمندی را از دست خواهیم داد و از سویی تعامل بین خانواده و با سایر نظامها در امر دور ماندن از آسیبهای اجتماعی بسیار حساس و مهم است (حسین جعفرپور و همکاران، ۱۳۹۵). در سالهای اخیر پژوهش‌های زیادی در مورد نقش مشاوران و روانشناسان در کاهش و پیشگیری از آسیبهای اجتماعی شده است بنابراین هدف اصلی این مقاله بررسی و ارزیابی مقالات نوشته شده در حوزه آسیبهای اجتماعی با محوریت نقش و کارکردهای روانشناسان است. این مقاله دنبال این است که مشاوران و روانشناسان چه نقشی در کاهش و پیشگیری آسیبهای اجتماعی دارند (آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۷).

## ۳- پیشینه پژوهش

معمارزاده زنجانی (۱۳۹۷) در بررسی نقش روانشناسان در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی دریافت که میزان شیوع انحرافات اخلاقی کسانی که با مشاور ارتباطی ندارند در سطح متوسط به بالا است. نتایج تحلیل همبستگی نشان می‌دهد بین سرمایه اجتماعی، وضعیت مؤلفه‌های عوامل روانی، میزان دینداری و مهارتهای ارتباطی با انحرافات اخلاقی همبستگی معناداری وجود دارد.

ثناگومحرر و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی نقش مشاوره بر کاهش آسیبهای اجتماعی و راههای پیشگیری از آن دریافتند که عوامل مستعد کننده بروز آسیبهای اجتماعی مواردی هستند مانند: ویژگی‌های خانوادگی، دوستان ناباب و فشار گروه همسالان، نداشتن آگاهی کامل افراد جامعه مخصوصاً نوجوانان در زمینه مهارتهای زندگی، برخوردهای نامناسب والدین، ویژگی‌های سنی و قرار داشتن در سنین بلوغ. عوامل بازدارنده بروز آسیبهای اجتماعی: بالا بردن عزت نفس در نوجوانان، توجه به تربیت دینی و افزایش ایمان و دین باوری در اقشار مختلف جامعه مخصوص نوجوانان، آموزش مهارتهای زندگی و اجتماعی به نوجوانان، برقراری ارتباطات مناسب و صمیمانه‌تر والدین با فرزندان، آموزش مهارتهای زندگی و اجتماعی به والدین.

زندگی و رضایی (۱۳۹۴) در بررسی چگونگی تأثیر بیکاری در افزایش آسیبهای اجتماعی به این نتیجه رسیدند که بیکاری و عدم حضور در فضاهای حوزه اقتصادی از دو جهت در افزایش آسیبهای اجتماعی تأثیرگذار است: نخست آنکه افراد در گروههایی که در این فضاها ایجاد می‌شود، هویت‌یابی گروهی می‌کنند و از حمایت اجتماعی برخوردار می‌شوند و عدم هویت‌یابی و برخورداری از حمایت گروهی (به عنوان عوامل اجتماعی که نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت اجتماعی انسان دارد) بر اساس نظریه‌های مرتبط با این بحث در افزایش آسیبهای اجتماعی مؤثر است. دوم آنکه بیکاری منجر به عدم تأمین نیاز مالی افراد جامعه می‌شود و این مسأله به دلیل ناکامی منزلتی و عدم دستیابی به اهدافی که به دنبال دارد، گرایش افراد به آسیبهای اجتماعی را افزایش می‌دهد.

## ۴- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کیفی و از نوع کتابخانه‌ای (مروری) است و می‌خواهد مشخص کند که مشاوران و روانشناسان چه نقشی را در کاهش و پیشگیری از آسیبهای اجتماعی داشته‌اند. برای بدست آوردن اطلاعات از کتابها و مقالاتی که در سالهای اخیر آسیبهای اجتماعی و راههای پیشگیری از آن نوشته شده بود، استفاده شده است.

## ۵- تبیین روانشناختی انحرافات و آسیبهای اجتماعی

روانشناسان ریشه بسیاری از کژرفتاری‌ها را در محیط و شرایط اجتماعی جستجو می‌کنند و علل زیرساز بسیاری از آنها را خود جامعه می‌دانند. وقتی خواسته‌های فرد با انتظارات جامعه هماهنگ نباشد، نابهنجاری فرد آغاز می‌شود و در صورت تداوم، زمینه-



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

های کژرفتاری‌ها را پدید می‌آورد. روانشناسان در تبیین پیامدهای کژرفتاری‌های اجتماعی از سه دیدگاه کارکردگرایی، تضاد و کنش متقابل نمادین استفاده می‌کنند (فرجاد، ۱۳۶۹: ۷۶).

۱- دیدگاه کارکردگرایی ساختی:

دیدگاه کارکردی به جای اینکه به فرد توجه کند، جامعه را به طور کلی مورد توجه قرار می‌دهد و بیشتر در جستجوی خاستگاه و منبع کژرفتاری در جامعه است. براساس دیدگاه کارکردگرایی، جامعه سیستمی از بخشهای مرتبط است که هماهنگ با یکدیگر در جهت حفظ و تعادل و توازن اجتماعی کار می‌کنند. از منظر این دیدگاه هر یک از نهادهای اجتماعی نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند و بر نهادهای دیگر تأثیر می‌گذارند (همان).

کارکردگرایان ساختی برای تعریف تأثیرات عناصر اجتماعی بر جامعه اصلاحات کارکردی و کژکردی را به کار می‌برند، اگر عناصر اجتماعی به ثبات جامعه کمک کند کارکردی و اگر ثبات جامعه را مختل کند کژکارکردی هستند. دو نظریه عمده مسائل آسیبها و تهدیدات اجتماعی از دیدگاه کارکردگرایی ساختی نتیجه می‌شود:

الف) آسیب‌شناختی اجتماعی

ب) بی‌سازمانی اجتماعی

براساس مدل آسیب‌شناسی اجتماعی مسائل اجتماعی نتیجه نوعی بیماری در جامعه است. اگر بخشهایی از جامعه‌ای از جمله عناصر ساختاری و فرهنگی درست عمل نکنند بیماری حاصل خواهد شد. به عنوان مثال جرم، خشونت، فقر و نابرابری از فروپاشی نهاد خانواده و بی‌کفایتی در نهادهای اقتصادی، آموزشی و سیاسی حاصل می‌شود. این نظریه بیان می‌دارد بیماری اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که افراد آنقدر جامعه‌پذیر نشده‌اند که هنجارها و ارزشهای جامعه را بپذیرند. لذا برای پیشگیری از مسائل اجتماعی و حل آنها افراد باید به درستی جامعه‌پذیر شوند و آموزشهای اخلاقی و فرهنگی مناسبی را دریافت کنند. در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی تأکید می‌شود که تغییرات سریع اجتماعی هنجارهای جامعه را دچار اختلال می‌کند. وقتی هنجارها ضعیف یا با یکدیگر در تعارض باشند، جامعه در وضعیت بی‌سازمانی یا بی‌هنجاری قرار می‌گیرد. براساس این نظریه راه حل مسائل اجتماعی کم کردن سرعت تحولات اجتماعی و قوت بخشیدن به هنجارهای اجتماعی است (فرجاد، ۱۳۶۹: ۷۴).

۲- دیدگاه کشمکش:

این دیدگاه برخلاف دیدگاه کارکردگرایی ساختی که جامعه را متشکل از بخشهای مختلف می‌بیند، جامعه را به صورت گروه‌ها و منافع مختلفی می‌بیند که برای دستیابی به قدرت و منابع با هم رقابت می‌کنند. دو نظریه عمده در دیدگاه کشمکش وجود دارد:

الف) مارکسیستی

ب) غیر مارکسیستی

نظریات مارکسیستی بر کشمکش اجتماعی ناشی از نابرابری اقتصادی تمرکز دارند، همچنین بر از خود بیگانگی یا ضعف و بی‌معنایی در زندگی مردم تمرکز دارند و مسائل اجتماعی را نتیجه اختلاف طبقاتی، نابرابری‌های اجتماعی و احساس بی‌عدالتی می‌دانند و معتقدند بسیاری از آسیبها و بحرانهای اجتماعی با فقر در ارتباط است.

نظریات غیرمارکسیستی بر کشمکشهای اجتماعی ناشی از رقابت بر سر ارزشها و منافع در بین گروه‌های اجتماعی مبتنی است. راه‌حل مسائل که بر اثر رقابت ارزشها ایجاد می‌شود می‌تواند شامل مواردی از جمله تضمین این که گروه‌های درگیر عقاید یکدیگر را بشناسند و رفع تفاوتها از طریق مذاکره یا میانجیگری یا پذیرفتن این تفاوتها بشود باشد. با این حال نتایج حاصل از کشمکشها اغلب تحت تأثیر قدرت قرار دارند و گروهی که بیشترین قدرت را دارد می‌تواند از موفقیت خود برای تأثیرگذاری استفاده کند (آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۸).

۳- دیدگاه کنش متقابل نمادین:



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دیدگاه کنش متقابل نمادین بر تعامل میان هم‌نواپی و کژرفتاری در زمینه‌های مختلف اجتماعی تأکید می‌کند و در پی تبیین تأثیر یادگیری بر فرآیند کژرفتاری‌ها است. این دیدگاه برخلاف دو دیدگاه قبل منعکس‌کننده دیدگاه جامعه‌شناسی فرد است و بر این نکته تأکید دارد که رفتار انسانی تحت تأثیر تعاریف و معانی قرار دارد که در کنش متقابل نمادین با دیگران خلق می‌شود و تداوم می‌یابد. تصویری که ما از خود داریم با مشاهده این که دیگران چگونه با ما وارد تعامل می‌شوند و برداشتی از ما دارند ساخته می‌شود.

یکی از نظریه‌های عمده دیدگاه کنش متقابل نمادین درباره مسائل و آسیب‌های اجتماعی نظریه بر چسب‌زنی است. این نظریه می‌گوید یک موقعیت یا گروه اجتماعی زمانی مشکل‌ساز به نظر می‌آید که با این عنوان بر چسب خورده باشد براساس این نظریه گاهی حل مسائل اجتماعی شامل تغییر معانی و تعاریفی می‌شود که به افراد یا موقعیتها نسبت داده می‌شوند. براساس این دیدگاه‌های مطرح شده در جامعه‌شناسی انحرافات، چارچوب نظری تحقیق به منظور تعریف و شناخت آسیبها و تهدیدات اجتماعی ایران عمدتاً مبتنی بر دیدگاه کارکردگرایی ساختی بوده است.

در این مبحث چهار نظریه مهم و بر حسب مورد بررسی قرار می‌گیرد:

## الف) نظریه‌های هنجاری

دورکیم (۱۹۵۱) از جمله نظریه‌پردازان قرن نوزدهم است که به تبیین کژرفتاری از دیدگاه جامعه‌شناختی پرداخت. او درباره رابطه میان انسان و نیازها و آرزوهایش بحث می‌کند و بر این باور است که در شرایط اجتماعی استوار و پایدار، آرزوهای انسان از طریق هنجارها، تنظیم و محدود می‌شود و با از هم پاشیدگی هنجارها (ولذا از بین رفتن کنترل آرزوها) یک وضعیت آرزوهای بی‌حد و حصر یا انومی بوجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد و حصر، نمی‌توانند ارضاء شوند، در نتیجه یک وضعیت ناراضی‌انگ اجتماعی دائمی پدید می‌آید. سپس این ناراضی‌انگ، در جریانهای اقدامات اجتماعی منفی نظیر: خودکشی، تبه‌کاری، طلاق و ... ظاهر می‌گردد که از نظر آماری قابل سنجش می‌باشد.

بی‌هنجاری، حاصل وضعیت آشفته‌ای است که هنجارها از بین رفته یا در تضاد قرار گرفته‌اند. جامعه‌هایی که در آنها به طور گسترده بی‌هنجاری وجود داشته باشد، در خطر تلاشی قرار می‌گیرند، زیرا اعضای آن جامعه برای نیل به مقاصد مشترک خطوط راهنما در اختیار ندارند و اغلب مواقع احساس جدایی و بی‌جهتی می‌کنند. رابرت مرتون مفهوم بی‌هنجاری را برای نشان دادن اختلاف بین هدف مورد تأیید جامعه و دسترسی به وسایل حصول به آن به کار می‌برد (آشتیانی، ۱۳۸۷: ۲۱).

## ب) نظریه تضاد

دیدگاه تضاد به تمرکز ثروت و قدرت که در دست عده‌ای معدود از افراد جامعه است و پیامدهای آن توجه می‌کند. و به تبیین جرایمی مانند دزدی، جیب‌بری و ... که به طور طبیعی توسط افرادی از طبقات فقیرتر از جامعه انجام می‌شود؛ در حالی که اختلاس، جعل، تزویر، زمین‌خواری، رانت‌خواری و فرار از مالیات به افرادی که از طبقات بالای جامعه هستند، محدود می‌گردد، می‌پردازد. نظریه تضاد نیز مانند نظریه انحراف به طور کلی بر عواقب شخصی و اجتماعی تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای معدود تکیه می‌کند. مارکس بر این باور است که بیشتر رفتارها محصول کشمکش و تضاد بین آنهایی که مالک ابزار تولیدند (سرمایه‌داران) و آنهایی که فاقد ابزار تولیدند (کارگران) می‌باشد. بنابراین پیش فرض مارکس در ارتباط با تبیین کژرفتاری و بزهکاری، مخصوصاً آن دسته از جرایمی که به وسیله طبقات پایین جامعه انجام می‌شود، آن است که سرمایه‌داری علت اساسی ارتکاب جرم است.

نقطه عطف عمده این نظریه آن است که گروه‌های قدرتمند جامعه علایق مشترک اقتصادی و سیاسی دارند و اکثر برگزیدگان قدرت از قدرت سیاسی خود برای تدوین و اجرای معیارهای قانونی حامی منافع خود استفاده یا در واقع سوء استفاده می‌کنند. طرفداران این نظریه تا حدی تبیین‌های متفاوتی را درباره چرایی بروز موقعیت مورد بحث در جوامع جدید عنوان می‌کنند.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

چامبلیس و سیدمن (۱۹۷۱) عقیده دارند که چنین شرایطی در هر جامعه پیچیده‌ای که دارای نظام طبقاتی متعددی باشد، به وجود می‌آید (فرجاد، ۱۳۶۹: ۷۴).

ج) نظریه پیوند افتراقی

نظریه ادوین ساترلند تحت عنوان پیوند افتراقی بر این نکته دلالت دارد که فرایند یادگیری رفتار مجرمانه به وسیله دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود. چهار گام زیر فرایند نظریه پیوند افتراقی را به اختصار نشان می‌دهد:

۱- رفتار تبهکارانه، مانند دیگر رفتارهای معمولی در اثر کنش متقابل با دیگران به ویژه گروه دوستان آموخته می‌شود.  
۲- فراگیری رفتار مجرمانه هم مستلزم یادگیری تکنیکهای ارتکاب جرم و هم انگیزه‌ها، سائقها و گرایشهای مناسب برای بزهکاری است.

۳- انسان بدان سبب مجرم می‌شود که فراوانی امکانات قانون شکنی بر محدودیتهای نامساعد آن بچرید.

۴- پیوندهای تبهکارانه یک شخص می‌تواند از جنبه‌های خاصی همچون فراوانی، طول مدت و شدت این تماسها متفاوت باشد و در تعیین تأثیر این پیوندها بر شخص به ما کمک کند (فرجاد، ۱۳۶۹: ۷۴).

د) نظریه برچسب

نظریه برچسب نوعی کنش متقابل نمادین است و چون در محدوده این سنت نظری قرار می‌گیرد، عمدتاً چشم‌انداز آن با کنش متقابل بین منحرفان و سازشکاران سروکار پیدا می‌کند. به علاوه چون کنش متقابل نمادین است، نظریه برچسب با مفاهیمی که اعضای سازمان (یا اعضای گروه) از اعمال و عکس‌العملهای دیگران می‌گیرند سر و کار دارد.

نظریه برچسب تأکید می‌کند که نفس رفتار، منحرفان را از غیر منحرفان متمایز نمی‌سازد، بلکه اعمال اعضای سازشکار جامعه است که این تمایز را فراهم می‌سازد. نظریه برچسب، انحراف را به عنوان فرآیندی تبیین می‌کند که توسط آن برخی مردم موفق می‌شوند برخی دیگر را منحرف تعریف کنند. این نظریه بر نسبی بودن انحراف تأکید دارد و ادعا می‌کند که یک شخص یا یک عمل تنها زمانی "انحراف" تلقی می‌شود که برچسب "انحراف" توسط دیگران به آن زده شود. نظریه برچسب می‌گوید که رفتار انحرافی به میزان احترام مردم به آن رفتار (نقش قانون) بستگی دارد. اگر به رفتاری یا نقشی احترام زیاد گذارده می‌شود، خلاف آن "کجروی" خوانده می‌شود و فرد خاطی جریمه یا مجازات می‌گردد (همان).

## ۶- نظریه‌های روانشناختی در آسیب‌شناسی اجتماعی

در این دیدگاه مسائل روانشناختی به عنوان عاملی مؤثر در وقوع آسیبهای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. نبود شیوه‌های تربیتی مناسب، انواع مشکلات روانی و روحی در بین افراد، عدم کارایی آنها در استفاده از شیوه‌هایی برای مبارزه با مشکلات زندگی، علل اساسی و وقوع آسیب شناخته می‌شود.

به نظر متخصصینی که از این دیدگاه پیروی می‌کنند، سلامت جامعه در گرو سلامت افراد است و تحقیقاتی که روی افراد درگیر در انواع آسیبهای اجتماعی انجام داده‌اند نشان می‌دهد این افراد معمولاً از بهداشت روانی مناسبی بهره‌مند نیستند. مهارتهای کافی در زمینه زندگی مناسب ندارند و اغلب از خانواده‌های نا بسامان برخاسته‌اند.

بر این اساس، این دیدگاه به بهبود وضعیت روانشناختی افراد جامعه تأکید دارد و چنین هدفی در گرو آگاه‌سازی افراد و خانواده‌ها در قبال تربیت فرزندان، فنون ارتباطی، حفظ سلامت روانی خویش و... می‌دانند. همچنین تحقیقاتی که در این حوزه جهت بررسی آسیبهای اجتماعی صورت گرفته است رشد اخلاقی این افراد را در سطوح پایین برآورده کرده‌اند، بطوری که قضاوت‌های اخلاقی آنها معمولاً از سطح افراد متوسط همراه خود پایین‌تر بوده است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این دیدگاه لزوم ارائه آگاهی و اطلاعات به افراد را در حیطه پیشگیری اولیه و انجام مشاوره‌ها و خدمات روانشناختی به افرادی که در معرض ابتلا به آسیب‌های اجتماعی هستند و افرادی که درگیر در این آسیب‌ها هستند را در حیطه پیشگیری اولیه و ثانویه پیشنهاد می‌کند (فرجاد، ۱۳۶۹: ۱۱۲).

## ۷- نظرهاها مبتنی بر ویژگیهای اجتماعی در آسیب‌شناسی اجتماعی

در این دیدگاه انواع ویژگیهای جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. جنگ به عنوان پدیده‌ای است که در این دیدگاه به عنوان ایجاد کننده شرایط مساعد برای بروز مشکلات اجتماعی مورد توجه بوده است. مصرف بیشتر از حد متادون ناشی از جنگ جهانی و یا مصرف بیش از حد هروئین و مورفین بوسیله سربازان آمریکایی در جنگ ویتنام نمونه زنده‌ای از این مسأله است. صنعتی شدن جوامع به عنوان عامل اجتماعی دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد. تحقیقات مختلف گسترش وسیع‌تر آسیب‌های اجتماعی را در جوامع صنعتی نسبت به جوامع ساده‌تر نشان می‌دهد. مسائل فرهنگی جامعه و میزان پایبندی یک جامعه به آداب و رسوم سنتی یک عامل دیگر در پیش‌بینی احتمال وقوع آسیب‌های اجتماعی در یک جامعه است. هر چه افراد به سن و آداب فرهنگی خود پایبندی بیشتری داشته باشند احتمال وقوع آسیب کمتر خواهد شد. مبادلات مختلف یک جامعه با جوامع دیگر نیز حائز اهمیت است. سیاست‌های مورد استفاده در این زمینه تأثیر کلانی در سلامت جامعه و حفظ آن از مشکلات و معضلات قابل سرایت از جوامع دیگر خواهد داشت (ابهری، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

## ۸- نتیجه‌گیری

آسیب‌های اجتماعی که به تعبیر بعضی از اندیشمندان حاصل و معلول مستقیم انقلاب صنعتی هستند، در اکثر جوامع وجود دارند و تأثیرات خود را می‌گذارند. اما آن چه جوامع مختلف را در این مورد از هم متفاوت می‌سازد، نوع نگرش این جوامع به علل به وجود آورنده آسیب‌ها و راهکارهای اصلاح و بهبود آن است. در مورد نگرش، آن چه مهم است این که این آسیب‌ها چرا به وجود آمده‌اند؟ آیا وجود آسیب‌ها در جوامع امری لازم و ضروری است یا می‌توان جامعه‌ای بدون آسیب داشت؟ پاسخ به این پرسشها مستلزم شناخت نظریه‌های مختلف روانشناسی است که هر کدام سعی در تبیین مسائل، آسیب‌ها و بحرانهای اجتماعی از نظرهاهای مختلف دارند. این دیدگاهها متأثر از باورهای سیاسی و اقتصادی هر جامعه است. عواملی مانند فقر اقتصادی- اجتماعی، بیکاری، سبک زندگی ناسالم، شکاف طبقاتی و نسلی بین والدین و فرزندان، اختلاف زناشویی والدین، سبکهای فرزندپروری نامناسب، عدم انتقال مهارتهای زندگی مناسب به کودکان و نوجوانان از طریق خانواده‌ها، مدارس و جامعه و... منجر به شکل‌گیری و تشدید آسیب‌هایی مانند اعتیاد، بزهکاری، خشونت، سرقت، فرار از مدرسه، رفتارهای پر خطر جنسی، طلاق و... در سطح جامعه می‌شود. آگاهی و مطالعه آسیب‌های اجتماعی، به لحاظ کمی و کیفی در اقصای مختلف جامعه خصوصاً در نوجوانان و جوانان باید بصورت جدی مورد توجه قرار گیرد. تعیین حدی از آسیب مشخص می‌کند که به نقطه بحرانی در آن آسیب رسیده‌ایم یا نه و در نتیجه می‌توانیم مداخلات مناسب را جهت پیشگیری و عدم گسترش این آسیب‌ها اعمال کنیم (ثناگومحرر و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳).

بهترین راه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی علاوه بر فراهم کردن مطلوب و بهنجار عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و... استفاده از آموزشهای هدفمند و مداخلات روانشناختی توسط مشاوران، روانشناسان و مددکاران اجتماعی است. مداخلات روانشناختی در دانشگاهها، مدارس، محله‌ها و روستاها که به نوعی در خطر آسیب‌های اجتماعی و یا درگیر آن هستند باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

تقویت مهارتهای زندگی در جامعه، باعث می‌شود افراد اجتماع در مقابل عوامل خطر، بیمه و محافظت شوند. آموزش مهارتهای زندگی توسط مشاوران و در قالب گروههای همسالان و همتایان یکی از راههای مؤثر در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همتایان با توجه به اینکه در جنبه‌های مختلف اعم از سن، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، سطح تحصیلات، علایق و... تا حدی به هم شبیه هستند، می‌توانند زمینه‌ای را فراهم نمایند که در آن اطلاعات و دانش از گروهی به گروه دیگر انتقال و موجبات تغییر در نگرش، باور، رفتار و دانش فراهم گردد. آموزش این روش علاوه بر تقویت روحیه مشارکت و همدلی، موجب مشارکت فعال همتایان در مسئولیتهای اجتماعی، انتقال تجارب فردی موفق به یکدیگر و انتقال اطلاعات دریافت و محیط اجتماعی به صورت کاربردی به افرادی می‌شود که دسترسی به آنها میسر نیست. روانشناسان می‌توانند با آموزش این مهارت‌ها، نقش کلیدی در مدیریت آسیبهای اجتماعی از طریق تعامل با سازمانهای ذیربط، مؤسسات اجتماع محور، گروه‌های خودیار و پایگاه‌های سلامت اجتماعی و روانی داشته باشند و یک چشم‌انداز امیدبخش در جهت کاهش این آسیبهها ارائه نمایند.

اسلام به پیشگیری جرم بیش از اصلاح مجرم اهتمام دارد. به همین دلیل پیش از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه ویژه دارد و برای مقابله با آن چاره‌سازی کرده است. اسلام، آگاهی، علم و تفکر را مایه اساسی هر نوع پیشرفت و سعادت دانسته، آن را بسیار می‌ستاید و از جهل و نادانی که مایه بدبختی و گناه است، نهی می‌کند. به امر رعایت بهداشت و نظافت عنایت ویژه داشته و برای سلامت روح و روان، نیز به اقامه نماز و دعا امر فرموده و گذشت، مهربانی و صبوری. حق شناسی، سپاسگزاری، رعایت حرمت دیگران، عدل و احسان، توصیه نموده و از نفاق، ریا، دروغ، افترا و تحقیر به شدت بیزاری جسته است. همه افراد را در برابر اعمال خویش مسئول دانسته و می‌فرماید: هر کار ریز و درشتی در اعمال افراد ثبت و عمل هیچ کس ضایع نخواهد شد.

علاوه بر این، به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه همگانی توجه کرده و انجام عبادات روزانه فردی و جمعی را به عنوان عوامل پیشگیرانه مطرح کرده است. البته، در جای خود پس از وقوع جرم و علیرغم آن همه التفات و توجه به امر پیشگیری و اصلاح و بازپروری، اسلام برای مجازات نیز - به عنوان اهرمی برای جلوگیری از تکرار وقوع جرم - تأکید فراوان دارد. در واقع، مجازاتها در اسلام نیز برای امر پیشگیری است.

آنچه امروزه در روان‌شناسی و رفتارشناسی یافت می‌کنیم و به عنوان علوم مدرن بر آن مذاقه داریم بسیار مشهود است و آمارها از نابهنجاری‌های شناختی، عاطفی و رفتاری نشان می‌دهد حکایت خوبی از بشر مفقود و گاه بلاتکلیف معاصر ندارد. بشر مفقود معاصر در بیراهه‌های که خودیابی‌ها و خودشناسی‌اش دچار اشکال شده و فراشناختش معیوب و گاه بی معنا شده است و در اختلالات و نگرانی‌ها و پریشانی دچار سوء رفتار و نا میمونی طریقتش شده است، راهی جز اتصال به سلامت معنوی و ارتباط با معنا ندارد.

بی‌شک این‌همه مکاتب درمانی روان‌شناختی و رفتارشناسی که در حل مسائل و اختلالات بشری حداقلش موفقیت چشم‌گیری ندارند و درصد درمان‌های روان‌شناختی آمار خوبی را نشان نمی‌دهد باید خلأ وجودی آدمی را در معنا جستجو کرد و سلامت معنوی یکی از مسیرهای حصول و وصول به سلامت ابعادی انسان‌ها و جامعه بشری محسوب می‌شود.

## ۶- پیشنهادات

- ۱) برگزاری کنگره‌های علمی - تخصصی در خصوص آسیبهای اجتماعی.
- ۲) ارائه خدمات اورژانس اجتماعی در سراسر کشور.
- ۳) ایجاد مراکز مشاوره ای برای مشاوره نوجوانان و خانواده های آنان.
- ۴) طراحی و تدوین کتابها و برنامه‌هایی برای آشنایی خانواده‌ها با آسیبهای اجتماعی و راه‌های مقابله با آن.
- ۵) ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی برای گذراندن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان.
- ۶) تدوین و تهیه شناسنامه آسیبهای اجتماعی برای آسیب‌دیدگان اجتماعی.
- ۷) تأسیس مراکز مشاوره ای مفید در مدارس.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۸) برنامه‌ریزی جهت آموزش صحیح بوسیله رسانه‌های گروهی از جمله صدا و سیما.
- ۹) ضرورت آشنایی نیروهای انتظامی و نظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان.
- ۱۰) کنترل و پیگیری کردن علل تأخیر مراجعت فرزندان به خانه، نظارت بر شب نشینها و ...
- ۱۱) تشویق فرزندان به تحصیل و بستر سازی مناسب به این امر.
- ۱۲) وجود اراده و نگرش مثبت کلیه نهادهای حکومتی نسبت به پیشگیری از آسیبهای اجتماعی در سطوح مختلف.
- ۱۳) تهیه بروشورها در جهت آگاهی از آسیبهای اجتماعی و پخش آنها در بین اقشار آسیب‌خیز جامعه.
- ۱۴) اعمال مجازاتهای سنگین، علنی و جدی (در ملأ عام) برای باندهای فساد، اغفال و ...
- ۱۵) برنامه ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی عدالتی، تأمین امنیت و نیاز شهروندان.

## مراجع

۱. ابهری، مجید، کتاب آسیبهای اجتماعی، انتشارات پشتون، ۱۳۹۰
۲. آشتیانی، فاضل، بررسی انحرافات و آسیبهای اجتماعی: چشم‌انداز آسیبها و تهدیدات اجتماعی ایران، ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۷
۳. ثناگومحرر، غلامرضا و همکاران، بررسی نقش مشاوره بر کاهش آسیبهای اجتماعی و راههای پیشگیری از آن، سومین همایش ملی نقش مشاوره بر کاهش آسیبهای اجتماعی و راههای پیشگیری از آن، سومین همایش ملی پژوهشهای نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، ۱۳۹۶
۴. زندی، فاطمه، رضایی، مریم، بررسی چگونگی تأثیر بیکاری در افزایش آسیبهای اجتماعی، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، ۱۳۹۴
۵. فرجاد، محمدحسین، روانشناسی و جامعه‌شناسی جنایی، چاپ اول، انتشارات همراه، ۱۳۶۹
۶. گودرزی، حسن و گودرزی، نرگس، نقش روانشناسان در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی، چهاردهمین همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی، شیروان، ۱۴۰۱
۷. معمازاده زنجانی، الهام، نقش روانشناسان در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی، ششمین همایش ملی علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیبهای اجتماعی و فرهنگی ایران، ۱۳۹۷